



The Quranic Principles of Citizenship Rights in Economic Affairs *

Seyyed Mahdi Sadati, ^۱Ahmad Moradkhani and Seyyed Mehdi Mirdadashi^۲

Abstract



Citizenship rights, including nascent rights specific to modern times, entail their distinctive mechanisms. Freedom and social justice constitute the essence of citizenship rights, laying the groundwork for the constraint of governmental power. Authoritarian governments prioritize the establishment of order, whereas democratic governments allocate precedence to social justice. Among these doctrines, the principles of citizenship rights in economic affairs are explored within this study, drawing from the Quran, particularly focusing on the Quranic principles governing citizenship rights in economic matters. Principles such as economic faith and piety, economic security, economic management, economic justice, economic amnesty, economic management of social provisioning, wealth circulation, poverty alleviation, etc. are extracted from the Quran. Each of these principles is subjected to descriptive and analytical methods, explication, and critical inquiry. Like other Quranic teachings, these principles encompass all dimensions of human life. The sustainability and continuity of society hinge upon the presence of a dynamic and progressive economy, as the Almighty God has endowed economic activities as the foundation of societal resilience, which will exert substantial influence across other domains.

Keywords: Quranic Principles, Citizenship Rights, Economy, Economic Justice, Ownership, Production.

*. **Date of Receiving:** ۱۶ July ۲۰۲۱, **Date of Approving:** ۸ January ۲۰۲۲.

^۱. Ph.D. Graduate in the Department of Quran and Hadith Sciences, Qom Campus, Islamic Azad University, Qom, Iran [Corresponding Author]: (smahdi.sadati@yahoo.com).

^۲. Associate Professor in the Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Qom Campus, Islamic Azad University, Qom, Iran: (ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir).

^۳. Assistant Professor in the Department of Private Law, Qom Campus, Islamic Azad University, Qom, Iran: (mirdadashim@yahoo.com).



اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی*

سید مهدی ساداتی^۱ و احمد مرادخانی^۲ و سید مهدی میرداداشی^۳



چکیده

حقوق شهروندی از جمله حقوق نوپیدا و مختص روزگار جدید است که سازوکارهای خاص خود را می‌طلبد. آزادی و عدالت اجتماعی، محتوای اصلی حقوق شهروندی و زمینه‌ساز تحدید قدرت حاکمیت است. حکومت‌های اقتدارگرا، اولویت را به برقراری نظم می‌دهند، در حالی که حکومت‌های دموکراتیک اولویت را به عدالت اجتماعی تخصیص می‌دهند. یکی از این آموزه‌ها، اصول حقوق شهروندی در امور اقتصادی است که در این تحقیق، اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی از قرآن کریم اخذ گردیده است؛ اصولی همچون ایمان و تقوای اقتصادی، امنیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی تأمین اجتماعی، گردش ثروت و فقرزدائی و... و هریک از آنها با اتخاذ روش توصیفی و تحلیلی مورد تحلیل و تبیین، واکاوی و کنکاش قرار گرفته است. این آموزه‌ها، همچون سایر آموزه‌های قرآنی تمامی ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. پایداری و بقای جامعه، منوط به وجود اقتصاد پویا و روبه‌رشد است؛ زیرا خداوند متعال فعالیت‌های اقتصادی را مایه قوام اجتماع قرار داده است که این مهم، در بخش‌های دیگر نیز تأثیر شگرفی را خواهد داشت.

واژگان کلیدی: اصول قرآنی، حقوق شهروندی، اقتصاد، عدالت اقتصادی، مالکیت، تولید.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸.

۱. دانش آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ (smahdi.sadati@yahoo.com).

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران «نویسنده مسئول»؛ (ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir).

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ (mirdadashim@yahoo.com).



مقدمه

حقوق شهروندی، مفهومی نوپیدا در روزگار معاصر است که جوامع در حال توسعه باید تکلیف خود را با آن و ابعاد و آثارش مشخص کنند. توسعه رسانه‌ها و ادوات ارتباطی و توسعه سطح آگاهی مردم، آنان را بیش از پیش متوجه حقوقشان، از جمله حقوق شهروندی کرده است و این دست حقوق امروزه از اولین و مهم‌ترین مطالبات مردم شده است که محدودیت‌های جدی برای دولت‌ها و حکومت‌ها ایجاد کرده است که در اسلام سابقه ندارد. همانطور که مفهوم حاکمیت از زمان اسلام تاکنون تحولات بسیار جدی داشته است. آنچه که آحاد بشر به آن نیازمند است، امنیت و آرامش روحی و روانی و جسمی در این دنیا و آسایش روح و جسم در جهان آخرت است که در سایه‌سار آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است. خداوند متعال که با فطرت بشر آشنایی دارد، تمامی نیازهای او را در دنیا مهیا کرده است تا با راهنمایی و ارشاد انبیاء و اولیای الهی او را به کمال مطلوب برساند. از آنجایی که قرآن کریم «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» است، اصول و آموزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حقوقی را به نحو اکمل و اتم و هماهنگ با خواسته‌های بشر در خود متبلور کرده است. تاریخ انبیای عظام و سرگذشت سراسر حکمت اولیاء، راه را هموار کرده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ و معجزه الهی او یعنی قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی تکمیل‌کننده و مکمل رسالت‌های بزرگان در جهت به کمال رسیدن بشر است که حقوق بشر را به صورت اکمل در خود جای داده است. اگر جهان بخواهد حقوق بشر را در تمامی زمینه‌ها از جمله حقوق اقتصادی تأمین کند، راهی جز عمل به این دستورات و فرامین ندارد. لذا اصول موجود در این کتاب آسمانی، افق جدیدی را در پیش روی دولتمردان و صاحبان قدرت در جهت سعادت دنیوی و اخروی ابناء بشر قرار داده است. ما در این پژوهش، با بهره‌برداری از تفاسیر و نظر بزرگان دین و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد، این اصول را مورد تبیین و تشریح قرار داده‌ایم و مجموعه‌ای از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین اموری که به عنوان اصل و اساس حاکم بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی نقش دارد، مورد امعان نظر قرار گرفته است. به طوری که اگر بین این اصول و موارد دیگر تراحم و تضادی به وجود آید، این اصول هستند که اولویت و تقدم دارند و می‌بایست در همه موارد مد نظر قرار گیرند. سیاستمداران جهان در هر زمانی نیازمند به دستورالعمل‌ها و منشوراتی هستند که بتوانند ممالک خود را به نحو مطلوب و دور از هر ریسک احتمالی به درحات عالی برسانند و پاسخگوی مردم خود در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصاد که زیربنای تمامی امور است باشند و این مهم تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه به آموزه‌های قرآنی که از ناحیه ذات مقدس الهی به پیامبر اسلام الهام شده، تمسک جویند. این تحقیق طبق آنچه اشاره شد، مداخله دین را در این دست حوزه‌های نوظهور

حداقل می‌پندارد؛ اما نگارندگان معتقدند دین حداقل به لحاظ مبنا از حقوق شهروندی حمایت می‌کند، این حمایت‌ها در مواجهه به احتیاط‌های بی‌مورد و تمسک به قواعد متصلب شرعی که وجهی در امور حاکمیتی ندارند، از اولویت برخوردارند و می‌توانند در حل سؤال فوق‌الاشعار مثمر ثمر واقع شوند. به دیگر سخن، این مقاله درصدد تبیین اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی است.

۱. پیشینه پژوهش

بسیاری تلاش کرده‌اند که ریشه حقوق و حتی علوم را به شریعت بازگردانند؛ اما مدعی اقتصاد اسلامی، فیزیک اسلامی و... شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد، اولاً در امور امضایی و عرفی مداخله شریعت حداقلی باشد؛ ثانیاً در برخی امور کاملاً نوپیدا، اساساً اسلام نظری ندارد و اصرار در این دست امور به بازگرداندن حکمشان به گذشته، امری است که اثبات می‌خواهد یکی از این امور حقوق شهروندی در جامعه مدرن امروزی است. با مفهوم شهروندی، سرسپردگی و تعهد یک‌طرفه شهروند به حاکمیت و دولت از بین می‌رود. از سویی شهروند تکالیفی در برابر حاکمیت دارد؛ اما بلافاصله طالب حقوقی است که مجموعه حکومت را مسئول قرار می‌دهد در جوامع پیشرفته، مطبوعات و رسانه‌ها و آزادی بیان، چوبلایی بر سر حاکمیت به واسطه کوچک‌ترین نقض حقوق شهروندان وارد می‌شوند. چنین وضعیتی در گذشته سابقه نداشته است که در این قسمت، به چند پژوهش که در این زمینه، مطالعه شده است، اشاره می‌گردد:

۱- شهید صدر (۱۳۵۰) در کتاب ارزنده‌اش به نام «اقتصادنا» در جلد دوم مجموعه‌ای از اندیشه‌های اساسی اقتصاد اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد و در فصول دیگر نظام توزیع و نظام تولید در اسلام را تشریح می‌کند. ایشان جزئیاتی را مانند ثروت‌های عمومی، تأمین اجتماعی، سیاست مالی، اختیارات حکومت در زندگی اقتصادی و همچنین نقش عناصر تولید که عبارتند از کار، سرمایه و ابزار تولید و تعیین سهم هریک از این سه عنصر در ثروت بوجود آمده را بیان می‌فرماید.

۲- میرمعزی (۱۳۷۸) در کتاب خود به نام «نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)» در فصل دوم، پس از تبیین انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی از دیدگاه اسلام، بر اساس اصول و مبانی فلسفی اسلام درباره انسان و جامعه، معنای سعادت فرد را تشریح، و سه مطلب مهم یعنی به دست آوردن درآمد و مصروف کردن آن، مفهوم آسایش در ایدئولوژی اسلامی و تراز مطلوب معیشت را از منظر آیات قرآن کریم و روایات بررسی می‌کند، سپس با طرح سعادت جامعه از دیدگاه دین مبین اسلام، هدف‌های نظام اقتصادی را از آیات و روایات اسلامی بیان و رابطه این اهداف با سعادت جامعه را روشن می‌سازد.



۳- فراهانی فرد (۱۳۸۱) در تألیف خود با مشخصه سیاست‌های اقتصادی در اسلام، در اولین فصل کتاب با بهره از منابع علم اقتصاد، به تشریح سیاست اقتصادی و نتایج آن حول سه محور مالی، پولی و درآمدی می‌پردازد و با بیان ابزارهای هریک از آن‌ها، روش‌های اجرا و نتایج این سیاست‌ها را از دید سایر مکاتب بررسی می‌کند. در فصل دوم، دیدگاه‌های پیامبر اسلام ﷺ و امام علی (علیه السلام) را مطرح می‌کند. در فصل سوم مبانی و اهداف سیاست‌های اقتصادی از دیدگاه اسلام را تبیین می‌کند. و در فصل چهارم، نمایی از سیاست‌گذاری‌های کلان در نظام اقتصادی اسلام را ارائه می‌دهد.

۴- جمالی (۱۳۸۵) در کتاب خود با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات با بهره‌گیری از آیات و روایات» در ۴ فصل نخست مفاهیم کلیدی تحقیق یعنی تدبیر، معیشت و رزق را تبیین می‌کند، سپس راهبردهای تدبیر معیشت را بحث می‌کند. در فصل سوم با عنوان راهبردهای تدبیر معیشت اخلاق اقتصادی در درآمد، مصرف و پس‌انداز طرح شده است. آثار تدبیر و پیامدهای بی تدبیری در فصل چهارم آمده است.

۵- شهید مطهری (۱۳۹۵) در کتاب خود به نام «نظام اقتصادی اسلام» با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و منابع اسلامی پیوند مستقیم اسلام را با اقتصاد اینچنین بیان می‌کند که اسلام یک سلسله مقررات اقتصادی در باره مالکیت، مبادلات، ارث صدقات، هبات، وقف و مجازات‌های مالی در زمینه ثروت را به صورت مستقیم دارا است و بیان می‌فرماید که این موارد در قالب کتاب البیع، کتاب الاجاره، کتاب الوکاله، کتاب الرهن، کتاب الارث، کتاب الهبه و کتاب الوقف و... در منابع اسلامی ما وجود دارد. شهید مطهری در فصل دوم کتاب خود به تعریف اقتصاد و مفاهیم اقتصادی می‌پردازد و در قسمت آخر کتاب در بخش یادداشت‌ها تعدادی از اصول قرآنی مانند عدالت و تزئید ثروت ملی و تکثیر تولید را تشریح می‌کند.

۶- میرمعزی (۱۳۸۰) در کتاب خود با عنوان «نظام اقتصادی اسلام (مبانی مکتبی)» مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری یعنی آزادی، دولت محدود، مالکیت خصوصی، رقابت به انگیزه نفع شخصی، حاکمیت مصرف‌کننده، تجویز بهره، توزیع درآمد و ثروت، را تبیین و نقد می‌کند و در بخش دوم، به برترین اصول مکتبی نظام اقتصادی اسلام: حاکمیت مصالح فرد و جامعه، دولت مصالح، آزادی در کادر محدود، مالکیت مختلط، تعاون و رقابت سالم، تحریم ربا، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، می‌پردازد و بیان می‌کند که این اصول، در جهت مقاصد چون امنیت، عدالت، رشد و توسعه اقتصادی است و زمینه‌های اعتلای معنوی انسان‌ها و سعادت فرد و جامعه را فراهم می‌آورد.

۷- خزایی و مرادخانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود رعایت حقوق شهروندی را از عوامل ثبات و امنیت در جامعه اسلامی دانسته‌اند که باتوجه به مبانی و اهداف قرآنی آن در قالب شهروند جهانی تحت عنوان خلیفه خدا در روی زمین مطرح استایشان حقوق شهروندی را به پنج حق بنیادین تقسیم می‌کنند که یکی از این مراتب حقوق اقتصادی - اجتماعی حقوق شهروند بیان می‌کنند و از مصادیق آن را حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی از مواردی است که نوعاً به عنوان حقوق اقتصادی و رفاهی از آن یاد می‌شود.

در کتاب‌های مذکور، اصول حقوق شهروندی در امور اقتصادی به صورت مختصر و گذرا اشاره شده است که می‌توان از تحقیقات به دست آمده در این کتب به عنوان پیش درآمد بهره جست. اغلب منابع اعم از کتب، مقالات و پژوهش‌ها در این زمینه تنها به بعدی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند. در حالی که این پژوهش هردو مسئله اصول حقوق شهروندی در امور اقتصادی را از زوایای جدید و ارتباط وثیقی که بین آنها برقرار است، بررسی کرده است و در این راه با تکیه بر منابع متعدد و فراوان تفسیری و روایی فریقین بدون محدودیت خاص فرقه‌ای و مذهبی اقدام به عرضه تحقیقی کرده است که در نوع خود بدیع و نو است.

۲. مفهوم‌شناختی واژگان کلیدی

واژگان کلیدی در موضوع، به جهت اینکه در مسیر تحقیق با آن ارتباط مستقیم داریم از جهت معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲. تبیین معنای لغوی و اصطلاحی اصول

راغب در مفردات، در معنای اصل بیان می‌کند که «اصل الشئ قاعدته؛ اصل هر چیز، پایه و قاعده است.» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۹). برخی بیان کرده‌اند: اصل، چیزی است که اشیاء دیگری بر آن بنا شود (الزبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۱: ۱۴/ ۱۸). در فرهنگ عمید، اصل، به معنای ریشه، پی و بنیاد آمده است (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۱۷).

تهانوی در کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم خود آورده است که اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می‌شود. چنانچه اصول فقه را نسبت به فقه ملاحظه کنیم، علم اصول فقه برای فقه اصل است و فقه فرع آن است. در نتیجه فرع برخلاف اصل چیزی است که بر غیر خود بنا می‌شود (تهانوی، اصطلاحات الفنون و العلوم، ۱۹۹۶: ۲۱۳).



در اصطلاح اصولیین «اصول الفقه هی القواعد الممهده لاستنباط الاحکام الشرعیه الفرعیه من ادلتها» قواعدی است که برای استنباط احکام شرعی تهیه و تمهید شده است (الحیدری، اصول الفقه، ۱۴۱۲ ق: ۴۷).

خداوند متعال در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» می‌فرماید اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که اصل و مرجع سایر آیات کتاب خداست آیه هفت سوره آل عمران علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: مراد از کلمه «محکمات» آیاتی است که متضمن اصول مسلمه ای از قرآن است (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۳/۳۳). که این اصول، دارای مصادیق و فروعاتی است که در تمامی نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متبلور است. بنابراین اصولی که بر اساس مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی قرآن ارائه می‌شود، قاعده و واقعیت عینی بنیادینی است که بر اساس آن مسائل و موضوعات تبیین و تحلیل می‌گردد و به عنوان اصول قرآنی مطرح می‌شود که از آن جمله اصول قرآنی که در تحقیق حاضر بدان پرداخته می‌شود به مواردی همچون اصل ایمان، اصل تقوا، اصل امنیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، عدالت اقتصادی و... پرداخته می‌شود.

۲-۱. حقوق

واژه حقوق، جمع حق است که در لسان العرب، حق نقیض باطل ذکر شده است «و احققت الشئ» یعنی آن چیز را واجب کردم و «تحقق عنده الخبر» یعنی آن خبر صحیح است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵: ۱/۴۹). در کتاب العین، حق چنین تعریف شده است: حق نقیض باطل است «حق الشئ» یعنی واجب و لازم شد و تعبیر «یحق عليك ان تفعل كذا» یعنی سزاوار است بر تو که چنین کنی (فراهیدی، العین، ۱۴۰۵: ۳/۶). راغب اصفهانی، در مفردات بیان می‌کند که: «اصل الحق المطابقه و الموافقه رجل الباب فی حقه لدورانه علی الاستقامه» اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است مانند مطابقت پاشنه درب، در جایگاه خود تا

در آن درب به درستی بچرخد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱۲۹).

واژه حقوق با معنای لغوی آن ارتباط داشته و در موارد متعددی به کار می‌رود. در اصطلاح حقوقدانان، مجموعه قواعد و مقرراتی است که روابط بین افراد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را با هم تنظیم می‌کند (گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۸: ۹). و حق، بهره و نصیبی است که هر موجودی نسبت به دیگری دارد و آن دیگری ملزم به رعایت آن است به این مفهوم که هر کسی در هستی و جهان متناسب با موقعیت خود در جامعه سهمی در حیات و منابع زیرزمینی دارد و دیگران

ملزم هستند که به این حقوق احترام بگذارند و آنها را به رسمیت بشناسند (کاتوزیان، احیای حقوق شهروندی، ۱۳۶۵: ۱/۱۴). یکی از مباحث مهم حقوقی در بین حقوقدانان جهان، مبحث منابع حقوق است. منابع حقوق در نظام حقوقی دین مبین اسلام، با آنچه در نظام‌های دیگر است بسیار متفاوت است. قرآن کریم و روایات به‌عنوان یکی از منابع مهم حقوقی در دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید، در صورتی‌که در دیگر نظام‌ها، قوانین حقوقی را از صاحب‌نظران در امر حقوق و دیدگاه‌های شخصی و انسانی دریافت می‌کنند. یکی از تفاوت‌های عمده که در این دو دریافت مشهود و ملموس است، ارجحیت و کارآمد بودن منابع حقوق در دین مبین اسلام است؛ زیرا این منابع از طرف کسی تدوین و تشریع گردیده است که خالق انسان و به فطرت بشری و حقوق جامعه اشرافیت کامل دارد. بنابراین حقوقی که بر مبنای آموزه‌های دینی و قرآنی مطرح می‌گردد به‌واسطه وصل به سرچشمه وحی، می‌تواند جامعه بشریت را در تمامی زمان‌ها به‌واسطه جهان شمول بودن به مرتبه کمال برساند.

۲-۲. شهروند

شهروند ترجمه فارسی «citizen» است و به معنای شخصی که به‌صورت قانونی مقیم یک شهر، دولت یا کشور است. واژه مزبور به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت مورد استفاده قرار گرفته است (آریانپورکاشانی، فرهنگ آریانپور، ۱۳۶۹: ۱/۳۸۹). شهروند در اصطلاح حقوق، یعنی ساکنان یک کشور که از حقوق و مزایای مدنی متساوی بهره‌مند می‌شوند (مرادخانی و خزائی، زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن، ۱۳۹۴: ۷۱). و در هر کشور و جامعه‌ای به ضرورت حکومتی وجود دارد و در هر حکومت دو گروه عمده را می‌توان تشخیص داد؛ گروه حاکم که در حکم فرماندهان جامعه هستند و در مقابل سایر افراد جامعه (به نام شهروند) که هرکدام از این عناوین، حقوق و وظائف خاصی را ایجاب می‌کنند (شفیعی، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲: ۱/۴۱).

در صدر اسلام که مدینه‌النبی به دستور پیامبر گرامی اسلام ﷺ شکل گرفت، دستورات لازم جهت زندگی فردی و اجتماعی از ناحیه خداوند به‌صورت وحی به قلب پیامبر نازل گردید تا آنجا که حقوق فردی و جمعی در قالب دستورالعمل‌های خاص به مرحله عمل در می‌آمد که این قوانین به دلیل جهان‌شمول بودن آن برای زندگی شهری و جوامع پیشرفته امروز کاربرد اساسی دارد و می‌توان در همه امور روزمره لحاظ کرد و به ویژگی‌های یک شهروند مسلمان نائل گردد و به‌عنوان الگوی مناسب جهت زندگی شهری مدرن ارائه داد.



۳-۲. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مفهومی است که چگونگی روابط مردم، دولت، مؤسسات و حقوق و تکالیف آنان را بر یکدیگر تنظیم می‌کند. بیشترین تقابل در اینجا فیما بین حقوق شهروندان و اختیارات دولت است، از سویی شهروندان به دولت قدرت می‌بخشند و از سوی دیگر حقوقی را تحت عنوان حقوق شهروندی مطالبه می‌کنند. از مهم‌ترین حقوق شهروندی می‌توان به حق عدالت‌خواهی، حق آزادی بیان، حق امنیت، حق حمایت‌های مادی و درآمدی و بهداشت و درمان اشاره کرد. حقوق شهروندی در تعریف دیگر، مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی است که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق، یعنی شهروند به تک‌تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شوند. تعدادی از این حقوق، فطری و ذاتی است؛ مثل حق حیات و حق آزادی که همیشه همراه انسان هستند و منحصر به دیروز و امروز نیستند؛ اما مواردی مانند حق کار، تجارت، تعلیم و تربیت از جمله موارد عرفی و قراردادی هستند که در هر دوره زمانی بنا به اقتضائات تغییر می‌کنند. جوامع در سیر تحول خود ناگزیرند حداقل حقوق را به‌عنوان کف مطالبات حقوق شهروندی بپذیرند. هر جامعه‌ای با توجه به شرایط خود تلاش می‌کند سطح کیفی این حقوق را بالاتر ببرد (شریفی طرازکوهی، زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، ۱۳۹۲: ۸۹).

اصطلاح حقوق شهروندی برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضائیه در ۲۰ فروردین ۱۳۸۳ وارد نظام حقوقی ایران شد. مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بعد قضایی است. پس از این بخشنامه، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵ عیناً آن را به‌عنوان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصویب کرد. قانونگذار با فاصله نزدیک ۵ ماه پس از تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دامنه شمول حقوق شهروندی را علاوه بر گستره قضایی، به سایر گستره‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تعمیم داد (رحمانی، جستاری پیرامون حقوق شهروندی، ۱۳۹۸: ۴۴).

در جوامع توسعه‌یافته، به اصلاح ساختار سیاسی توجه جدی می‌شود. همین طور به کنترل جمعیت، محیط‌زیست، حق رأی، حق دادخواهی عادلانه، حق برخورداری از آزادی بیان، حق تشکیل انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی؛ اما در جوامع توسعه‌نیافته، هم‌جهتی میان زمینه‌های پیشرفت، کم‌رنگ است. شهروند از عوامل مهم تأسیس دولت است. همان‌گونه که در فرمانبرداری سهیم است، باید در حکمرانی هم سهیم باشد. در چنین فرآیندی است که حقوق شهروندی به رسمیت شناخته می‌شود (براتی‌نیا، حقوق جامع شهروندی، ۱۳۹۵: ۶۷).

۴-۲. اقتصاد

این واژه در زبان اهل لغت از ماده قصد به معنای پایداری در راه راست است (فراهیدی، العین، ۱۴۰۵: ۵/ ۵۵). راغب در مفردات می‌گوید: اقتصاد به معنای اعتدال در امور است، بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۷۲) همچنین لسان العرب در معنای اقتصاد، همان اعتدال و میانه‌روی را بیان کرده است و آیه «وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» نیز به همین معنا آمده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵: ۲/ ۳۵۴)

اقتصاد در اصطلاح اقتصاددانان، دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله، توزیع، مصرف کالا و خدمات اقتصادی می‌پردازد (والترز و لایارد، اقتصاد خرد، ۱۳۹۳: ۹). همچنین به دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود (آقائظری، نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۱: ۳۹). اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که به‌عنوان بستر و زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است (هادوی‌تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۷۸: ۴۵). این مجموعه از آموزه‌ها در قرآن کریم در قالب اصول و مصادیق در سوره‌های مختلف متبلور است. باتوجه‌به اینکه کارشناسان اقتصاد تعاریف مختلفی از اقتصاد بیان داشته‌اند، لکن اختلاف تعریف‌ها باعث تغییر اصل موضوع نمی‌شود و همه در این قول اتفاق دارند که اقتصاد، معاش بشر را به معنای وسیع کلمه پوشش می‌دهد.

۳. اصول قرآنی حقوق شهروندی

در این بخش از تحقیق اصول اخذشده از قرآن کریم را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳. ایمان

یکی از اصول مهم و اساسی که نقش زیربنایی را در اقتصاد جامعه ایفا می‌کند، اصل ایمان است که در صورت پایبندبودن اقشار مردم، تمامی شهروندان جامعه به حقوق واقعی خود دست می‌یابند. در رابطه با این اصل مهم قرآن کریم در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶)؛ ایمان را مایه نزول برکات از آسمان و زمین می‌داند.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر گرانقدر مجمع البیان در رابطه با ایمان می‌فرماید: ایمان تصدیق جمیع آن چیزهایی است که خداوند تصدیق آنها را واجب کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۲۶۱/۱۰). در روایتی از رسول اکرم ﷺ چنین بیان شده است: «الایمان إقرار باللسان، و تصدیق بالقلب



و عمل صالح بالجوارح» (مجلسی، بحار النوار، ۱۴۰۳: ۶۶/۶۸). علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه ۹۶ اعراف می‌فرماید: برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. در جمله «لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته است، برای اینکه برکات را به معجرائی تشبیه کرده است که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد. باران و برف هرکدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقع خود گرم و در موقع خود سرد شده، و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند، وگرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد. جمله «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا...» دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌هاست، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸/۲۵۴).

زمخشری می‌گوید و اگر اهل آن قریه کسانی که تکذیب کردند و هلاک شدند، به‌جای کفر ایمان آورده بودند و به‌جای معاصی تقوا پیشه کرده بودند، خداوند برکات را از آسمان و زمین نازل می‌کرد. او می‌گوید گفته شده است مراد از برکات باران و نبات است «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ تِلْكَ الْقُرَى الَّذِينَ كَذَبُوا وَ أَهْلَكُوا آمَنُوا بَدَلْ كُفْرِهِمْ وَ اتَّقَوْا الْمُعَاصِيَ مَكَانَ ارْتِكَابِهَا لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَاتِينَاهُمْ بِالْخَيْرِ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ. وَ قِيلَ أَرَادَ الْمَطَرُ وَ النَّبَاتَ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِسُوءِ كِسْبِهِمْ» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲/۱۳۳).

فخر رازی صاحب تفسیر کبیر هم بیان می‌کند که ایمان موجب برکات از آسمان و زمین است و منظور از برکات نزول باران و برکات زمین به وسیله نبات و میوه‌ها و کثرت چهارپایان و حاصل شدن امنیت و سلامت است. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا أَى آمَنُوا بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ اتَّقَوْا مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ وَ حَزَمَهُ لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ بَرَكَاتٍ السَّمَاءِ بِالْمَطَرِ، وَ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ بِالنَّبَاتِ وَ الثَّمَارِ، وَ كَثْرَةُ الْمَوَاشِي وَ الْأَنْعَامِ، وَ حُصُولِ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ» (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۴/۳۲۱).

انسان با ایمان پی جوی دستورات و فرامین پروردگار خویش است تا به همه این اوامر جامه عمل بپوشاند که یکی از آنها عمل به آموزه‌های اقتصادی قرآنی است. انسان با ایمان، اقتصاد را در مراتب مختلف آن یعنی تولید، توزیع و مصرف، وسیله رسیدن به معبود و اوامر او می‌داند. خداوند دستورات لازم را جهت اقتصاد سالم و پویا در قرآن کریم جهت مؤمنین بیان فرموده است. و انسان مومن چون ایمان خدا را در قلبش تصدیق کرده است، در عمل نیز برای رسیدن به اهداف عالی، در تمامی امورات مختلف اقتصادی مطاع امر پروردگار خویش خواهد بود.

۲-۳. تقوا

یکی از اصول و عوامل مهم و تأثیرگذار در امر اقتصاد سالم، تقوای آحاد جامعه است که اگر این اصل مهم در سطح جامعه فراگیر گردد، انسان‌ها در امر اقتصاد به اهداف خود خواهند رسید. آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶)؛ تقوا را مایه نزول برکات از آسمان و زمین می‌داند. سیوطی صاحب تفسیر الدر المنثور حدیثی را بیان می‌کند که در آن ایمان را به آنچه نازل شده است و تقوا را به آنچه خداوند حرام کرده تبیین نموده است و حاصل آن دو را نازل شدن باران و رویدن نبات از زمین می‌داند. «بأخرج عبد بن حمید وابن أبی حاتم عن قتادة فی قوله وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا قَالَ: بِمَا أَنْزَلَ وَاتَّقُوا قَالَ: مَا حَرَّمَ اللَّهُ لِفَتْحِنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ يَقُول: لَأَعْطِيَهُم السَّمَاءُ بَرَكَاتَهَا وَالأَرْضُ نَبَاتَهَا» (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۳/ ۵۰۵). راغب اصفهانی می‌نویسد: تقوا از ماده وقی (وقی) به معنای حفظ کردن و مصون داشتن چیزی در برابر شیء یا امر ناگوار و زیان‌آور و تقوا قراردادن نفس در حفاظ در برابر امور هراس‌انگیز است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱/ ۸۸۱).

معنای اصطلاحی تقوا در روایت امام صادق (علیه السلام) خلاصه می‌شود که می‌فرماید: «أَنْ لَا يَقْدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ»؛ تقوا یعنی آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی تو را غائب نبیند و آنجا که نهی کرده تو را مشاهده نکند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۶۷/ ۲۸۵).

این انسان متقی، هدف اصلی اش رضایت و خشنودی پروردگار و انجام فرائض دینی اوست که یکی از این اهداف، رعایت مسائل اقتصادی و دستورات پیرامون آن است که قرآن کریم یکی از مأموریت‌های انبیا را ساخت جامعه سالم اقتصادی بیان می‌فرماید. لذا تقوا می‌تواند به اقتصاد رونق بخشد و سلامت جامعه را تضمین کند. به‌طوری‌که شهروند، در امور اقتصادی به حقوق خود دست یابد. امور اقتصادی آنچنان مهم و حیاتی است که خداوند متعال پادشاهی مصر را به یوسف عطا نمی‌کند؛ بلکه خزانه‌داری را در اختیار او قرار می‌دهد. و این نشانه توجه به امور معیشتی و اقتصادی و رکن اساسی حکومت است که راه رسیدن به سعادت و معبود را رسیدگی به امورات دنیوی مردم می‌داند.

همانطور که خداوند متعال، نتیجه تقوای الهی را سبب منزلت حضرت یوسف و دریافت خزانه‌داری مملکت مصر می‌داند و در آیه شریفه بیان می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَلَا جُزْءَ الآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یوسف/ ۵۵-۵۷).



۳-۳. اصل امنیت اقتصادی

یکی از اصول مهم و اساسی حقوق شهروندی در امور اقتصادی از منظر قرآن کریم، اصل امنیت اقتصادی است که در پرتو این اصل، اقتصاد رونق می‌یابد. امنیت اقتصادی در حقیقت بستر و زمینه‌ای برای رسیدن به اهداف اقتصادی هر جامعه تلقی می‌گردد و فعالیت‌های اقتصادی از جمله تولید، توزیع و مصرف در فضای امن اقتصادی تحقق می‌یابد. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات متعددی به این مهم پرداخته است، از جمله آیه شریفه: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل/۱۱۲).

در این آیه سه صفت برای قریه موردنظر ذکر می‌کند که متعاقب هم هستند، چیزی که هست وسطی آنها که مسئله اطمینان باشد به منزله رابطه میان دو صفت دیگر است، چون هر قریه‌ای که تصور شود وقتی امنیت داشت و از هجوم اشرار و غارتگران و خون‌ریزی‌ها و اسیر رفتن زن و بچه‌شان و چپاول رفتن اموالشان و همچنین از هجوم حوادث طبیعی از قبیل زلزله و سیل و امثال آن ایمن شد، مردمش اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند و دیگر مجبور نمی‌شوند که جلای وطن کرده، متفرق شوند و از کمال اطمینان، صفت سوم پدید می‌آید، و آن این است که رزق آن قریه فراوان و ارزان می‌شود، چون از همه قراء و شهرستان‌های اطراف آذوقه بدانجا حمل می‌شود، دیگر مردمش مجبور نمی‌شوند زحمت سفر و غربت را تحمل کرده برای طلب رزق مسافرت کنند. پس اتصاف قریه به این سه صفت که عبارت است از: امن و اطمینان و سرازیر شدن رزق بدانجا از هر طرف، تمامی نعمت‌های مادی و صوری را برای اهل آن جمع کرده است و به‌زودی خدای سبحان نعمت‌های معنوی را در آیه بعدی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ﴾ بر آن نعمت‌ها اضافه می‌فرماید، پس این قریه قریه‌ای است که نعمت‌های مادی و معنوی آن تام و کامل بوده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۲/۵۲۲).

فخر رازی، در تفسیر کبیر در ذیل آیه شریفه بیان می‌دارد که خداوند جهت این قریه صفاتی را ذکر کرده است، از جمله صفت امنیت و صفت اطمینان است که معنای اطمینان این است که به واسطه ترس و تنگی احتیاج به انتقال به جایی دیگر ندارند. وی اظهار می‌دارد: «اگرچه مراد از اطمینان این است که ایشان به سبب خوف و ترس احتیاج به انتقال ندارند، ولی این همان معنای امنیت است.» (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲/۱۲۸).

شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً» یعنی مردم بر جان و اموالشان در امنیت هستند و خوفی از غارت و چپاول ندارند و در آن مطمئن هستند و نیاز به دیگران نداشتند و رزقشان از هر مکانی می‌آمد و با کفران نعمت خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشاند. «و قوله «كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً» أي يأمن الناس فيها على نفوسهم وأموالهم لا يخافون الغارة والنهب» (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۶/۴۳۲).

۴-۳. مدیریت اقتصادی

مدیریت اقتصادی، یکی از اصولی است که جهت اینکه شهروند بتواند به حقوق حقیقی خود دست یابد، می‌بایست حاکم اسلامی و دست‌اندرکاران امور اقتصادی در سطح کلان جامعه و آحاد مردم در حد مسئولیت خود دارا باشند. مدیریت اقتصادی در تحقق حقوق شهروندی، نقش ویژه و اساسی را ایفاء می‌کند. بدیهی است که آحاد مردم به گردن مدیران و حاکمان حق مسلمی دارند، همانطور که حاکمان این حق را از مردم می‌توانند مطالبه کنند. این مهم را می‌توان در کلام حضرت علی (ع) مشاهده کرد که می‌فرمایند: خداوند سبجان برای من به سبب ولایت و جایگاه خاص، حقی قرار داده و برای شما نیز حقی همانند حقی که من به شما دارم (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۳۴/۱۸۳).

خداوند متعال در قرآن کریم تعدادی از ویژگی‌های مدیریت اقتصادی را در سوره حضرت یوسف (ع) همچون مکین، امین، حفیظ و امین به‌عنوان اصول اساسی و راهبردی در اقتصاد بیان کرده و می‌فرماید: «وَقَالَ الْمَلِكُ اِثْنُونِي بِهٖ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِيْنٌ قَالَ اجْعَلْنِي عَلٰی خَزَايِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيْظٌ عَلِيْمٌ» (یوسف/ ۵۵).

بعد از آنکه شاه فرمان مکانت و امانت یوسف را به‌طور مطلق صادر کرد، یوسف از او درخواست کرد که او را به وزارت مالیه و خزانه‌داری منصوب کند و امور مالی کشور و خزانه‌های زمین را که مراد از آن همان سرزمین مصر است، به وی محول کند. و اگر این درخواست را کرد به این منظور بود که امور مالی کشور و ارزاق را به مباشرت خود اداره کند و ارزاق را جمع‌آوری کرده، برای سال‌های بعد که قهراً سال‌های قحطی خواهد بود و مردم دچار گرانی و گرسنگی خواهند شد، ذخیره نماید، و خودش با دست خویش آن ذخیره‌ها را در میان مردم تقسیم کند، و به هریک آن مقداری که استحقاق دارد بدهد، و خود درخواست خویش را چنین تعلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم؛ زیرا این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقامی که وی درخواستش را کرده بود لازم دارد، و بدون آن دو نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۷۳).

مدیرانی وجود دارند که حداکثر کارشان به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصادی بر اساس ظرفیت‌های مشخص جامعه است، در مقابل کسانی هستند که ساختارشکنی کرده و حتی در شرائط بحران می‌توانند با خلاقیت خود جامعه را چند گام پیش ببرند. این مدیران و حاکمان خلاق به شرطی می‌توانند چنین کنند که از اختیارات لازم در حوزه عمل برخوردار باشند (ترنر و هیوم، حکومت‌داری، مدیریت و توسعه، چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ۱۳۷۹: ۳۰۴). مرحوم طبرسی مفسر بزرگ شیعی، در توضیح معنای مکین از ابن‌عباس نقل می‌کند که منظور پادشاه مصر از این منزلت همانا سلطه‌ای همچون سلطه خود او بوده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/۳۱۲).



۵-۳. عدالت اقتصادی

قرآن کریم خصلت عدالت را در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه ویژه قرار داده است و در این بیان، یکی از اصول قرآنی حقوق شهروندی یعنی عدالت اقتصادی در جایگاه خاصی قرار دارد.

یکی از صفات ثبوتیه پروردگار صفت عدالت است که قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران/ ۱۸)؛ زمانی که خالق انسان متصف به این صفت ارزنده است، بنابراین انسان که خلیفه‌الله فی ارضه است می‌بایست در تمام مراحل زندگی، خود را متصف به این صفت الهی کند.

آیات قرآن کریم در رابطه با این موضوع تصریح می‌کنند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/ ۲۵). و آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (نساء/ ۱۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید عدالت را بر پا دارید. و آیه ۹۰ سوره نحل که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ خداوند به عمل به عدالت و نیکی کردن فرمان داده است.

انسان‌ها زمانی به اهداف عدالت اقتصادی دست پیدا می‌کنند که هریک از افراد جامعه، به حقوق خود به طور کامل در امور اقتصادی دست یابند. بر اساس آموزه‌های قرآنی، اگر عدالت اقتصادی در جامعه تحقق یابد، واژه فقر از جامعه رخت برمی‌بندد و همه اقشار از وضعیت مطلوبی برخوردار خواهند شد. فقر و بیچارگی در جوامع بشری، حاکی از دوری انسان‌ها از تعالیم و آموزه‌های اسلامی است.

آیه شریفه ﴿مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾ (حشر/ ۷)؛ تبلور عدالت اقتصادی در جامعه مسلمانان است که با روح قسط و عدل همخوانی دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا خداوند عزوجل برای فقیران در دارایی ثروتمندان به مقداری که آنان را بی‌نیاز کند، سهمی قرار داد. اگر این مقدار برای فقیران کافی نبود، سهم آنان را زیادت‌ر می‌کرد. به‌درستی که گرفتاری فقیران بدان سبب است که حق آنان را نپرداخته‌اند.» (کلینی، الکافی، ۱۳۷۵: ۳). عدالت اقتصادی یعنی «تقسیم عادلانه امکانات موجود، عدالت در توزیع اموال و ثروت، تقسیم عادلانه منابع طبیعی برای افراد جامعه، پرداخت حقوق افراد بر اساس قسط و عدل یا حق واقعی (سهم) هرکس.» (بناء‌رضوی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۷: ۱۲۸).

در نظام اقتصادی اسلام، عدالت مفهوم ویژه خود را دارد، و دربرگیرنده عدالت در شیوه توزیع مواد اولیه و توزیع ثروت‌های تولید شده می‌شود. آنچه در سلامت بخشی نظام اقتصادی جامعه نقش بنیادی دارد، مسئله توزیع عادلانه منابع طبیعی و ثروت‌های اولیه است. اگر این منابع در انحصار افراد یا گروه‌های خاصی قرار گیرد، اختلاف طبقاتی پدید می‌آید و راه را برای زورمندان هموار می‌کند (شهید صدر، اقتصاد ما، ۱۳۵۰: ۶۵).

۶-۳. اصل مالکیت خداوند

خداوند بر تمام جهان هستی سلطنت واقعی دارد و این همان معنای مالکیت حقیقی اوست. اثبات مالکیت حقیقی برای خداوند به دلیل قرآنی یا روایی نیاز ندارد؛ بلکه نتیجه قهری پذیرش خالقیت اوست (هادوی‌تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

مالکیت حقیقی خداوند که در مالکیت اسلامی نقش ساختاری مهمی را دارد، در بسیاری از آیات قرآن کریم از آن یاد شده است (بقره/ ۲۵۵، ۱۰۷؛ آل عمران/ ۲۶؛ نساء/ ۵۳؛ مائده/ ۱۷ - ۱۲۰، ۴۰، ۱۸، اعراف/ ۱۵۸؛ توبه/ ۱۱۶؛ اسراء/ ۱۱۱؛ طه/ ۶؛ نور/ ۴۲؛ فرقان/ ۲؛ فاطر/ ۱۳؛ ص/ ۱۰؛ الزمر/ ۶؛ شوری/ ۴۹؛ حدید/ ۲۷) به طور کلی آیات قرآن دلالت می‌کنند که مالکیت حقیقی پروردگار به شأن خالقیت وی باز می‌گردد؛ یعنی از آنجا که وی خالق و رب همه اشیا است مالک آنان نیز به شمار می‌رود، به همین سبب این مالکیت مطلق بوده، همه تصرفات را شامل می‌شود (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۱۷/ ۴۳۶؛ ۲۷/ ۴۴۹).

این اصل، تسهیل‌کننده راه رسیدن انسان به حقوق در نظر گرفته شده جهت افراد بشر است که در قرآن کریم به آن تصریح شده است و به انسان این تذکر را می‌دهد که آنچه در اختیار اوست، مالکیت اصلی آن خداوند است و می‌بایست حقوق دیگر افراد را که خداوند در آن قرار داده است طبق شریعت اسلام ادا کند.

۷-۳. اصل مالکیت عمومی

مالکیت عمومی اموالی هستند که هیچ فرد خاصی، مالک آن‌ها نیست تا بتواند به نحو دلخواه در آن تصرف کند؛ بلکه ملک همه مسلمانان است؛ خواه آنان که در قید حیاتند و خواه آنان که هنوز به دنیا نیامده‌اند (حقانی‌زنجانی، تحقیقی درباره انفال یا ثروت‌های عمومی، ۱۳۷۴: ۳۴). آیه مبارکه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ به این اصل مهم، اشاره می‌فرماید. شیخ الطائفه، در کتاب تهذیب الاحکام، روایت



کرده است که عده‌ای از پیامبر ﷺ درخواست کردند تا قسمتی از غنائم را به آنان دهد، آن وقت آیه مزبور نازل شد. به استناد همین آیه شریفه مالکیت دولت نسبت به انفال تأیید شد و در نتیجه تقسیم خصوصی آنها ممنوع گردید (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵: ۴/ ۱۲۴).

کلمه انفال، جمع نفل، به معنای زیادی هر چیزی است و به همین سبب، نمازهای مستحبی را که زیاده بر فریضه است، نافله می‌گویند. اموالی که برای آن‌ها مالکی شناخته نشده باشد، مثل کوه‌ها و بستر رودخانه‌های متروک و آبادی‌هایی که اهلش نابود شده‌اند و اموال کسی که وارثی ندارد و مانند این موارد، از این جهت که گویا اموال مذکور، زیادی بر آن مقدار اموالی است که مردم مالک شده‌اند، به آن‌ها انفال گفته می‌شود (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۸/ ۹). انفال شامل زمین‌های موات، جنگل‌ها، مراتع، غنایم جنگی، مالیات‌ها و درآمدهای ناشی از اموال و مؤسسه‌های دولتی است.

۸-۳. اصل مالکیت خصوصی

آیات شریفه متعددی به مالکیت خصوص انسان‌ها تصریح می‌کند، از جمله آیه مبارکه ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ﴾ (حدید/ ۵۷)؛ «و از آن چه شما را در (استفاده از آن)، جانشین (دیگران) کرده، انفاق کنید.»

علامه طباطبائی می‌فرماید: «وجه و نکته اینکه فرمود از آنچه خدا شما را در آن جانشین کرده، انفاق کنید چون واقعاً آدمی در آنچه دارد خلیفه خداست، (چون هم خودش و همه اموالش ملک خداست)، و هم ایشان را در انفاق کردن تشویق می‌کند، چون وقتی مؤمنین متوجه و متذکر شوند که مال ایشان ملک خداست، و ایشان در آن اموال خلیفه خدا و وکلای از ناحیه اویند، هر تصرفی بکنند به اذن او می‌کنند، قهراً انفاق کردن بر آنان آسان می‌شود.» (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۹/ ۲۶۶).

همچنین آیه شریفه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره/ ۳)؛ «آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند.» مالکیت خصوصی، آنچنان مورد توجه اسلام است که دست‌اندازی به حریم خصوصی افراد را نمی‌پذیرد و با شدت با آن برخورد می‌کند که در مواردی حکم قطع دست را با شرائطی صادر می‌کند که در آیه ۳۷ سوره مائده، به این امر مهم تصریح می‌کند که دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست. و یا مقیداتی را که برای مالک شرط کرده است که در آیه شریفه ﴿وَلَا تَوَدُّوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (نساء/ ۵)؛ «و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گویند.» به وضوح آمده است.

از مواردی که قرآن کریم، درباره مالکیت خصوصی به آن تصریح کرده است، بسیاری از اختیاراتی است که انسان می‌تواند در آن دخیل باشد و با اراده خود پیرامون اموال شخصی خود تصمیم بگیرد. ازجمله این موارد می‌توان از بیع (بقره/۲۷۲)، صید (مائده/۹۳)، جعاله (یوسف/۷۱) یاد کرد. مهر و صدق (نساء/ ۴، ۲۰، ۲۱)، ارث (نساء/ ۷، ۱۱، ۱۲)، وصیت (بقره/۱۸۰) و... نام برد. و آیه شریفه ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء/۲۹)؛ «اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید.» از این جمله است. در این آیه شریفه به دو مورد تصریح شده است، «اموالکم» و «تراضی» که رضایت، زمانی مطرح می‌گردد که انسان مالکیت خصوصی داشته باشد و کلمه اموالکم (اموال شما) دلالت بر مالکیت خصوصی دارد.

۹-۳. تولید

یکی از اصول مهم قرآنی حقوق شهروندی، اصل تولید است که در این مورد خداوند متعال در قرآن کریم در آیات متعددی به آن پرداخته است. خداوند متعال در آیه شریفه: ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ﴾ (یس/ ۳۴ - ۳۵)؛ دو عنصر طبیعت و انسان در امر تولید مهم دانسته است و خود را تولیدکننده و سازنده اصلی در امر زمین و باغها و چشمه‌ها معرفی می‌کند و انسان را در امر کار و تلاش مورد تشویق قرار می‌دهد.

در این آیه شریفه، «آب» و «درخت» به‌عنوان منبع ارزشمند تولید و تلاش و کوشش در زمین به‌عنوان ابزار تولید بیان شده است و انسان‌ها مکلف شده‌اند تا با استفاده از این آفریده‌های پروردگار به کسب معاش و آبادانی بپردازند و در تولید به‌صورت مستقیم مباشرت کنند، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى﴾ (نجم/ ۴۱-۳۹).

درست است که این آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی حاوی ملاک و معیار اصیلی است که دنیا را نیز در بر می‌گیرد. به این معنا که افراد باایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برایشان کار کنند و مشکلات جامعه‌شان را حل کنند؛ بلکه باید خود به سعی و تلاش و کوشش برخیزند (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۵۵۳/۲۲-۵۵۲).

عزت و کرامت و استقلال هر ملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است، چنان که فرومایگی و زبونی هر ملتی، پیامد تنبلی و راحت طلبی و بیکاری اوست (جوادی‌آملی، انتظار بشر از دین، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲). آیین مقدس اسلام، خواستار عزت و اقتدار مسلمانان در تمامی عرصه‌ها ازجمله عرصه اقتصادی است و تولید را مقدمه رسیدن به این هدف بزرگ می‌داند؛ ازاین‌رو اسلام برای تولید اهمیت ویژه‌ای قائل است و پیروان خود را به فعالیت‌ها و تلاش‌های مختلف تولیدی همچون کشاورزی، دامداری، صنعتی و نیز تجارت تولیدات دعوت می‌کند.



۳-۱۰- اصل تمرکززدایی و گردش سالم ثروت

از دیگر اصول مهم قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی، گردش سالم ثروت در جامعه و طبقات مختلف اجتماع است تا از تمرکز ثروت در دست افراد ثروتمند ممانعت به عمل آید. آفریدگار هستی در این مورد می‌فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/ ۷)؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.»

پروردگار متعال، در راستای محقق گردیدن قسط و عدل فراگیر اقتصادی و دسترسی اقشار جامعه به ثروت و منابع اقتصادی، بر اصل ممانعت خروج نقدینگی از گردش اقتصادی جامعه تأکید کرده و بر استفاده عموم از ثروت دستور داده و بیان داشته است: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/ ۳۴)؛ «و کسانی که زر و سیم را ذخیره می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، آنان را از عذابی دردناک خبرده!» بنابرین، از منظر قرآن کریم، مالکیت خصوصی به این معنا نیست که عده‌ای بتوانند ثروت‌اندوزی کنند و با خروج نقدینگی در جامعه اسلامی خلل به وجود آورند و موجب کاهش تولید و فعالیت‌های اقتصادی گردند.

۳-۱۱- اصل تأمین اجتماعی و نیازهای نیازمندان

تأمین حقوق محرومان و نیازمندان، یکی از اصول مهم قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی است که آیات متعدد قرآن کریم به آن تصریح کرده است. در سوره مبارکه (بقره/ ۱۷۷، ۲۱۵، ۲۷۳؛ نساء/ ۸؛ انعام/ ۱۴۱؛ انفال/ ۴۱؛ توبه/ ۶۰؛ اسراء/ ۲۶؛ حشر/ ۷-۸)؛ خداوند متعال این امر مهم را تبیین کرده است. که در آیه شریفه ذیل زیبایی سخن را نظاره می‌کنیم. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَآمَنُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۷)؛ «نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز)، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن

سازید)؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد.»

در تفسیر المیزان از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: «هرکس به این آیه عمل کند، ایمانش کامل است.» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱/۶۵۳). قرآن کریم در اصول عملی، ایتاء مال را به نیازمندان با توجه به اینکه انسان ثروت را دوست می‌دارد «آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» بیان فرموده است و این ایثار را نشان‌دهنده اعتقاد قلبی و عملی به خداوند متعال و آموزه‌های دینی می‌داند. جالب توجه اینکه تأمین اجتماعی و رسیدگی به نیازمندان را بعد از اصل اعتقادی، یعنی ایمان به خداوند و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران بیان فرموده است و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت اصل تأمین اجتماعی از منظر قرآن کریم است؛ زیرا با عمل به این اصل مهم، شاهد کاهش آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه خواهیم بود و فسادهایی که در اثر فقر پدید خواهد آمد، شاهد نیستیم. به تبع آن جامعه به طرف خوبی‌ها و ارزش‌ها سوق داده خواهد شد. پشتیبانی و رسیدگی به نیازمندان، آنچنان در دین مبین اسلام دارای ارزش و عظمت است که خداوند متعال جهت اهمیت موضوع و حفظ کرامت انسان‌ها، شرایط ویژه‌ای را در قرآن کریم در رابطه با روش و نحوه انفاق و توجه به مستمندان و نیازمندان مطرح فرموده است که برخی از این آیات مبارکه را مطرح می‌کنیم.



نتیجه

- ۱- اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی، به آحاد اجتماع و بشریت کمک می‌کند تا در مسیر اهداف آفرینش و سعادت دنیا و آخرت گام بردارد.
- ۲- حقوق شهروندی از جمله حقوق نوپیدا و مختص روزگار جدید است. در نتیجه سازوکارهای خاص خود را می‌طلبد. آزادی و عدالت اجتماعی، محتوای اصلی حقوق شهروندی و زمینه‌ساز تحدید قدرت حاکمیت است. حکومت‌های اقتدارگرا، اولویت را به برقراری نظم می‌دهند، در حالی که حکومت‌های دموکراتیک اولویت را به عدالت اجتماعی تخصیص می‌دهند.
- ۳- با نگاهی ژرف به آیات قرآن کریم در اصول اساسی اقتصاد اسلامی می‌توان دریافت که این نظریات در همه ابعاد و زمینه‌ها از منابع ثروت، تولید، توزیع و مبادلات و نیز مصرف سرایت دارد. پیامبر گرامی اسلام حضرت رسول ﷺ با به‌کارگیری این آموزه‌های سراسر نور، جهت برپایی حکومت عدل الهی و مدینه فاضله اقدام کرد و اثبات گردید که در سراسر گیتی و در طول اعصار، بشر می‌تواند به تنها دینی که سعادت دنیوی و اخروی را تأمین نماید، تکیه کند.
- ۴- می‌توان به‌وسیله این اصول به اهدافی همچون استقلال اقتصادی (نساء/ ۱۴۱)، حفظ حاکمیت و اقتدار سیاسی اسلام (انفال / ۶۰)، تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر (اعراف/ ۳۲)، رشد توسعه جامع اقتصادی (توبه/ ۶۰) و عدالت اقتصادی (نساء ۵/۱۳) دست یافت.
- ۵- الگوها و اصولی که قرآن کریم در رابطه با مسائل اقتصادی ارائه می‌دهد و در این پژوهش آمده است می‌تواند جامعه را از بحران‌های اقتصادی برهاند و به سمت کمال رهنمون سازد.
- ۶- اصول قرآنی حقوق شهروندی در امور اقتصادی، از طرف کسی تدوین و تشریع شده است که خالق انسان و با فطرت بشری و به حقوق جامعه اشرافیت کامل دارد؛ زیرا او قدرت مطلق است. بنابراین حقوقی که بر مبنای آموزه‌های دینی و قرآنی مطرح می‌گردد، به‌واسطه وصل به سرچشمه وحی، می‌تواند جامعه بشریت را در تمامی زمانها بواسطه جهان شمول بودن به مرتبه کمال برساند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن منظور، محمد بن کرام، لسان العرب، ج ۱۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۳. آریانپورکاشانی، عباس، فرهنگ آریانپور، سپهر، تهران: چاپ نهم، ۱۳۶۹.
۴. آقائیزی، حسن، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: ۱۳۹۱.
۵. براتی نیا، محمود، حقوق جامع شهروندی، نشر فکرسازان، تهران: ۱۳۹۵.
۶. بناءرضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۶۷.
۷. ترنر، مارک؛ هیوم، دیوید، حکومت داری، مدیریت و توسعه، چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ترجمه: عباس منوریان، ناشر، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران: ۱۳۸۴.
۸. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۹. حقانی زنجانی، حسین، تحقیقی درباره انفال یا ثروت های عمومی، بی نا، بی جا: ۱۳۷۴.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار العلم، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رحمانی، پیروز، جستاری پیرامون حقوق شهروندی، نشر آثار فکر، تهران: ۱۳۹۸.
۱۲. الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۱۳. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۵. شریفی طرازکوهی، حسین، زمینه ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، نشر میزان، تهران: ۱۳۹۲.
۱۶. شفیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، سخن، تهران: ۱۳۷۲.
۱۷. صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، مترجم: محمد کاظم موسوی، برهان، مشهد: ۱۳۵۰.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسن، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۵.



۲۱. عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۲۲. فخررازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: ۱۴۰۵.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، احیای حقوق شهروندی، تهران: ۱۳۶۵.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، انتشارات اسوه، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۲۶. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران: چاپ ۲۳، ۱۳۹۶.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۸. مرادخانی، احمد؛ خزائی، احمد رضا، زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۷، ۱۳۹۴.
۲۹. معین، محمد، فرهنگ معین، ناشر زرین، تهران: ۱۳۸۶.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ سی ام، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. والترز، آلن آرتور؛ لایارد، ریچارد، اقتصاد خرد، مترجم: عباس شاکری، نشر نی، تهران: ۱۳۹۳.
۳۲. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، خانه خرد، تهران: ۱۳۷۸.

References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. Agha Nazari, Hassan, Nazariyeh-Pardazi-e Eqtesadi-e Eslami (Theorizing in Islamic Economics), The Research of Seminary and University, Tehran: ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ CE).
۳. Aryanpour Kashani, Abbas, Farhang Aryanpour (Aryanpour Dictionary), Sepehr, Tehran: ۹th Edition, ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ CE).
۴. Banaei Rezavi, Mehdi, Tarh-e Tahqiqi-e Eqtesadi-e Eslami (Analytical Plan of Islamic Economics), Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, Mashhad: ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ CE).
۵. Baratinya, Mahmoud, Hoquq-e Jam'e Shahrivandi (Comprehensive Civic Law), Nashr-e Fekr-e Sazan, Tehran: ۱۳۹۵ (۲۰۱۶ CE).
۶. Fakhr Razi, Mohammad bin Umar, Tafsir al-Kabir (The Great Exegesis), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۷. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ayn (The Source), Published by Mahdi Makhzoumi and Ebrahim Samaraei, Qom: ۱۴۰۵ (۱۹۸۶ CE).
۸. Goldozian, Iraj, Bayestehaye Hoquq-e Jazaye Amoumi (Essential Principles of Public Punishments), Mizan Press, Tehran: ۲۳rd Edition, ۱۳۹۶ (۲۰۱۷ CE).
۹. Hadavi Tehran, Mahdi, Maktab va Nezam-e Eqtesadi-ye Eslami (School and System of Islamic Economy), Khane Kherad, Tehran: ۱۳۷۸ (۱۹۹۹ CE).
۱۰. Haqqani Zanjani, Hussein, Tahqiqi Darbareh Anfal Ya Tharwath-haye Amoumi (An Investigation on Anfal or Public Wealth), n.p., N.p.: ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ CE).
۱۱. Ibn Manzur, Mohammad bin Karam, Lisan al-Arab (The Arabic Language), Vol. ۱۵, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۸ CE).
۱۲. Javadi Amoli, Abdullah, Entezar-e Bashar az Din (Human Expectations from Religion), Esra Publication Center, Qom, ۵th Edition, ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ CE).
۱۳. Katouzian, Naser, Ehyaye Hoquq Shahrivandi (Reviving Civic Rights), Tehran: ۱۳۶۵ (۱۹۸۶ CE).
۱۴. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, al-Kafi, Uswa Publications, Tehran: ۳rd Edition, ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ CE).
۱۵. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar (Seas of Lights), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۲ CE).



۱۶. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir-e Namunch (Exemplary Interpretation), Dar al-Kutub al-Islamiyyah Publications, Tehran: ۳th Edition, ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ CE).
۱۷. Mo'in, Mohammad, Farhang-e Mo'in (Mo'in Dictionary), Zarrin Press, Tehran: ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ CE).
۱۸. Moradkhani, Ahmad, Khazae, Ahmad Reza, Zamineha-ye Hoquq Shahrivandi dar Quran (Civic Rights Aspects in the Quran), Quran and Hadith Research Journal, No. ۱۷, ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ CE).
۱۹. Omeed, Hassan, Farhang-e Loghat-e Omeed (Omeed Lexicon), Amir Kabir Publications, Tehran: ۳rd Edition, ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ CE).
۲۰. Raghib Isfahani, Hussein bin Mohammad, Mofradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words), Dar al-Ilm, Beirut: ۲nd Edition, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۲۱. Rahmani, Pirouz, Jostari Piramun-e Hoquq Shahrivandi (An Essay on Civil Rights), Nashr-e Athar-e Fekr, Tehran: ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ CE).
۲۲. Sadr, Sayyed Mohammad Baqir, Eqtesad-e Ma (Our Economy), Translated by Mohammad Kazem Mousavi, Borhan, Mashhad: ۱۳۵۰ (۱۹۷۱ CE).
۲۳. Shafiee, Zahra, Nokhbegan Siyasi-ye Iran az Mashrouteyat ta Enqelab Eslami (Iranian Political Elites from Constitutionalism to the Islamic Revolution), Sokhan, Tehran: ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ CE).
۲۴. Sharifi Tarazkouhi, Hussein, Zamineha, Ab'ad va Asar-e Hoquq Shahrivandi (Contexts, Dimensions, and Effects of Civil Rights), Mizan, Tehran: ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ CE).
۲۵. Siyuti, Abdul Rahman, Al-Dur al-Mansur (The Scattered Pearls), Ayatullah Ayatollah Mara'shi Library, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۲۶. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Explanations in Quranic Exegesis), Naser Khosrow, Tehran: ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ CE).
۲۷. Tabatabai, Sayyed Mohammad Hassan, al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in Quranic Exegesis), Islamic Publication Office of Qom Seminary Teachers Association, Qom: ۵th Edition, ۱۴۱۷ (۱۹۹۶ CE).
۲۸. Turner, Mark, Hume, David, Hokoumatdari, Modiriat va Tose'eh: Chagonah-e Elm va San'at-e Daneshgahi (Governance, Management, and Development: How Can Have A Useful Government?), Translated by Abbas Munavvarian, Government Educational Management Center, Tehran: ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ CE).
۲۹. Tusi, Abu Jafar Mohammad bin Hassan, Tahzib al-Ahkam (Refinement of Rulings), Dar al-Kutub Islamiyyah Publications, Tehran: ۴th Edition, ۱۳۶۵ (۱۹۸۶ CE).

۳۰. Walters, Allen Arthur, Lillard, Richard, Eqtesad-e Khord (Microeconomics), Translated by Abbas Shakeri, Ney Press, Tehran: ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ CE).
۳۱. Zabaidi, Mortada, Taj al-Arus min Jawaher al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Lexicon), Nashr, Dar al-Fekr, Beirut: ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۳۲. Zamakhshari, Jarollah Mahmud bin Umar, al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil (An Elucidation of the Mysteries of Revelation), Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE)..